



روزی که مردم با غسل شهادت نماز خواندند

«پراثر انفجار یک بمب دستی در محل برگزاری نماز جمعه تهران که در ساعت ۱۳/۲۹ دقیقه روز گذشته صورت گرفت، چند تن از نمازگزاران شهید و مجروح شدند. رژیم عراق که قبلاً اصابت موشک‌های دوربرد ایران به شهرهای کرکوک و بغداد را انفجار بمب توصیف کرده بود، در یک هماهنگی ناموفق با عوامل ضد انقلاب داخلی، قصد داشت به هنگام انفجار بمب در صفوف نمازگزاران تهران در دانشگاه تهران، هواپیمایش را در ارتفاع بالا به حریم هوایی تهران اعزام داشته و ادعا کند که صدای انفجار، ناشی از بمباران تهران بوده است. اما با تأخیر ورود هواپیمای عراقی به آسمان تهران و انفجار بمب، نیم ساعت قبل از آمدن هواپیماها، این توطئه تبلیغاتی با شکست مواجه شد و هواپیماهای عراقی نیز با آتش به موقع و قدرتمند پدافند هوایی متواری شدند.»

در این واقعه عده‌ای مجروح و عده‌ای به شهادت رسیدند. سید محمد شاه مرادی، سید مجید محمدی، لطفعلی عرفانی، ابراهیم سیاهی عروچی، سید مهدی رضوی نیا، محمد حاجی هاشمی، رجبعلی تلکانی، پرویز شعبانی، عباس رایگان، ذکریا فرجی بیگی، مهدی ابراهیمی، محمد غفاری، حاج مجتبی توانگر دهقان، علی احمدپور فیروزآبادی و محسن ظهیری از جمله این شهدا بودند. مجروحان واقعه نیز به بیمارستان‌های مصطفی خمینی، فیروزگر، سمیه، سینا،



چون او که ترسی از این چیزها نداشت. بارها هم شده بود که هواپیماهایش اطراف نماز جمعه می‌آمد و ضد هوایی روی پشت بام‌ها و در میدان فلسطین و اطراف میدان انقلاب از نماز جمعه مراقبت می‌کرد. روز حادثه، روزی بود که صدام خیلی جدی گفته بود که ما نماز جمعه را می‌زنیم. من پشت جایگاه نشسته بودم که یک دفعه صدای یک انفجار مهیب آمد. بلند شدم بالا را نگاه کردم، دیدم که چیزهایی از بالا به پایین می‌ریزد. اول خوشحال شدم. حدس زدم که قطعات هواپیمای دشمن است که پایین می‌ریزد ولی وقتی روی زمین آمد، دیدم قطعات بدن انسان است و بمب چنان به شدت این بدن‌ها را هوا برده بود که به اطراف پخش می‌شد، اما بلافاصله فهمیدیم که این انفجار ناشی از بمب‌گذاری در محل نماز بوده است.

ما همیشه جلوی درهای ورود و خروج بازرسی کامل داشتیم. هیچ چیز را نمی‌توانستند با خودشان حمل کنند بنابراین بمب را به صورت جانماز به داخل آوردند چون فقط آوردن جانماز مجاز بود. البته سعی بمب‌گذار بر این بود که بمب را نزدیک جایگاه، که عده‌ای از مسئولان یا خود امام جمعه بود بگذارد که همگی صدمه ببینند. اتفاقاً امام جمعه آن هفته خود آیت‌الله خامنه‌ای بودند. ایشان غالباً از جبهه یکسره به نماز جمعه می‌آمدند.

چون بمب‌گذار از بازرسی دوم نتوانسته بود عبور کند و فاصله‌اش با جایگاه زیاد بود بمب را در قسمت انتهایی زمین چمن گذاشته بود. جالب است که آن روز کسی فرار نکرد و امام چند بار در صحبت‌هایشان به این مسئله اشاره کردند که من زمانی که تلویزیون را نگاه کردم، دیدم که با وجود اینکه بمب منفجر شد ولی یک نفر نرفت و همه نشستند و امام جمعه با صلابت صحبت‌هایش را ادامه داد و آهنگ صدایش نیز عوض نشد. مردم هم سر جایشان نشستند و فقط شعار دادند: حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست. ما پس از انفجار به افرادمان گفتیم همه سر جایتان باشید و هیچ کسی دخالت نکند. فقط یک عده خاصی شروع به جمع‌آوری شهدا و مجروحان کردند. مردم هم خطبه‌ها را گوش کردند و نماز را خواندند. چهارده نفر آن روز شهید و عده زیادی مجروح شدند. آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند برای ختم شهدا حجت‌الاسلام فلسفی را دعوت کنید که از طرف ایشان مجلس ختمی در مسجد ارگ برگزار شد.»

در آن زمان صدام هر هفته تهدید می‌کرد که نماز جمعه تهران را می‌خواهد بمباران کند. هر وقت که این اعلان می‌شد، نماز جمعه شلوغ ترمی شد و حتی از شهرستان‌های امن هم به نماز می‌آمدند

